

اجراپژوهی تلاشی است در جهت کشف عوامل موفقیت و شکست سیاست‌ها و متعاقب آن، ارائه راهکارهایی جهت تقویت عوامل تسهیل‌کننده و برطرف کردن عوامل بازدارنده اجرا تا بتوان خط‌مشی‌های آینده را با موفقیت بیشتری اجرا نمود. در اجراپژوهی حاضر تلاش شده است با توجه به تجربه اجرای برنامه‌های توسعه اول تا چهارم، عوامل تسهیل‌کننده اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور که توجه به آنها می‌تواند منجر به اجرای کامل‌تر سیاست‌های فرهنگی در برنامه‌های بعدی شود شناسایی و تبیین شود. بدین منظور ۴۰ مصاحبه کیفی نیمه‌ساخت‌یافته با خبرگان و مجریان سیاست‌های فرهنگی کشور که در طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در سطوح مختلف با پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه در بخش فرهنگ درگیر بوده‌اند، ترتیب داده شده و با استفاده از روش تحلیل مضمونی و به کمک نرم‌افزار MAXQDA، در سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر تحلیل شده‌اند. در مجموع ۶۹۸ کد، ۳۸۰ مضمون توصیفی، ۱۵ مضمون تفسیری و ۴ مضمون فراگیر که عوامل تسهیل‌کننده اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور را تبیین می‌کردند، تولید شدند. عوامل تسهیل‌کننده حاصل این تحقیق شامل چهار دسته عوامل زمینه‌ای، ساختاری، کارکردی و نهایتاً عامل رفتاری جامعه می‌شوند که در تعامل ارگانیک با یکدیگر قرار دارند.

■ واژگان کلیدی:

سیاست‌گذاری فرهنگی، اجرای سیاست‌های فرهنگی، عوامل تسهیل‌کننده اجرا، تحلیل مضمونی.

عوامل تسهیل‌کننده اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور

مبتنی بر تجربیات برنامه‌های توسعه اول تا چهارم

مجید مختاریان‌پور

استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

mokhtarianpour@ut.ac.ir

مقدمه

اصلی‌ترین معضل نظام برنامه‌ریزی کلان کشور طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، غفلت از رسالت اصلی انقلاب، یعنی «فرهنگ» بوده است به طوری که رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۴، در بخشی از سخنان خود خطاب به ایشان می‌فرماید: «از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید». متأسفانه عدم توجه به این رسالت باعث شده است که جامعه با وجود اجرای چهار برنامه و گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی از وضعیت فرهنگی مطلوبی برخوردار نباشد.

در واقع در کشور ما سیاست‌های فرهنگی طی دهه‌های گذشته به درستی پیاده‌سازی نشده و بدین ترتیب اهداف فرهنگی نظام نیز، که بنابر ماهیت انقلاب اسلامی باید اصلی‌ترین اهداف آن به‌شمار آیند، به‌طور کامل محقق نشده‌اند. در مقاله حاضر که حاصل یک پژوهش تفصیلی می‌باشد، بر آن هستیم که با توجه به تجربیات برنامه‌های اول تا چهارم توسعه کشور، مجموعه عوامل تسهیل‌کننده اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور را تبیین نماییم. بدین ترتیب پس از بیان مسئله تحقیق به بررسی اجمالی ادبیات سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های فرهنگی پرداخته و سپس یافته‌های تحقیق یعنی عوامل تسهیل‌کننده اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور را در چهار دسته عوامل زمینه‌ای، ساختاری، کارکردی و عامل رفتاری جامعه مورد بحث قرار خواهیم داد.

۳۴

بیان مسئله تحقیق

اجراپژوهی^۱ سنتی است که در کشورهای مختلف جهان برای احصاء نقصان‌های اجرای سیاست‌ها رواج داشته و از قبل آن تلاش می‌شود عوامل موفقیت اجرای سیاست‌ها شناسایی و تقویت شده و عوامل شکست آنها که باعث عدم دستیابی کامل به اهداف می‌گردند، کشف و برطرف شوند. متأسفانه در کشور ما به این سنت علمی کمتر توجه شده^۲ و به همین دلیل شاهد ائتلاف منابع مادی و معنوی و کاهش انگیزه مجریان در

1. Implementation Research

۲. کاوش‌های محقق در طول زمان نسبتاً طولانی انجام این تحقیق و مشاهده خلأ معتنا به نتایج اجراپژوهی، این دیدگاه را تقویت نمود.

طول زمان و ناتمام باقی‌ماندن اهداف و انتقال آنها به برنامه‌های بعدی هستیم^۱. در این میان حوزه فرهنگ به دلیل کم‌توجهی به آن در دو دهه گذشته و عدم احصاء کاستی‌های اجرای سیاست‌های آن از طریق اجراپژوهی، اکنون از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و شاخص‌های مختلف فرهنگی نشان‌دهنده آن است که علی‌رغم گذشتن چهار برنامه توسعه این برنامه‌ها نتوانسته‌اند به‌نحو مطلوبی به‌اهداف خود دست یابند^۲.

در این تحقیق بر آن هستیم که به کاوش عوامل تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور که باعث عدم اجرای درست و کامل این سیاست‌ها طی ۲۱ سال اجرای چهار برنامه توسعه شده است بپردازیم. در طراحی این مدل تلاش شده با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته، از تجربیات و دانش ضمنی صاحب‌نظران و مجریان سیاست‌های فرهنگی کشور که در طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در سطوح مختلف با پیاده‌سازی سیاست‌های فرهنگی مندرج در برنامه‌ها درگیر بوده‌اند، استفاده شده و با تحلیل آنها، مدل مناسب اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور طراحی گردد.

به این ترتیب در این مقاله به‌دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که با توجه به تجربیات اجرای برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، عوامل تسهیل‌کننده اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور که باید توسط خط‌مشی‌گذاران و مجریان فرهنگی مورد توجه قرار گیرند، کدام‌اند؟

چارچوب نظری

خط‌مشی عمومی شامل تمام آنچه دولت‌ها تصمیم می‌گیرند انجام دهند یا انجام ندهند می‌شود (دای، ۲۰۱۳: ۳). خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌دنبال حل مسائل عمومی بوده و

۱. بررسی بندهای فرهنگی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه (که طی کتابی توسط محقق در حال انجام است) شاهدهی بر این مدعاست.

۲. اثبات این مدعا بر اساس آمار رسمی خود مستلزم تحقیقی مجزاست که در این مقاله نمی‌گنجد، ولی در اینجا هشدار برخی مسئولان و صاحب‌نظران، ما را نسبت به وضعیت فرهنگی کشور حساس‌تر می‌کند:

- رشد نگران‌کننده آمار طلاق و کاهش ازدواج و تشکیل خانواده هم از سایر تهدیداتی است که کشور در حوزه خانواده با آن مواجه است (مخبر دزفولی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳).

- در شرایط کنونی شاهد تنزل وضعیت فرهنگی در کشور نسبت به سال‌های گذشته هستیم (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۳).

- وضعیت حجاب و عفاف کشور ما نگران‌کننده است (اصلائی، رئیس بسیج جامعه زنان، ۱۳۹۲).

لذا در حوزه‌های مختلف (مانند فرهنگ، بهداشت، آموزش و پرورش و ...) وارد شده و امروز مانند رشته پزشکی، تخصصی شده است (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۲). در مجموع می‌توان فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی را به سه مرحله اصلی شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی خط‌مشی تقسیم نمود (سپرو، ۲۰۱۲). از آنجا که این مقاله به مبحث اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی می‌پردازد، لذا در این بخش به صورت اجمالی ابتدا به مبحث اجرای خط‌مشی پرداخته، سپس موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی را به اختصار مطرح نموده و نهایتاً مروری بر برخی عوامل تأثیرگذار بر اجرا خواهیم داشت.

اجرای خط‌مشی

اجرا شامل تمامی فعالیت‌های طرح‌ریزی شده برای انجام خط‌مشی‌ها می‌باشد (دای، ۲۰۱۳: ۵۵). مطالعات اجرا در نقطه تقاطع اداره عمومی، نظریه سازمان، تحقیقات مدیریت دولتی و مطالعات علم سیاست قرار دارند (پالزل و تریب، ۲۰۰۷: ۸۹). تئوری‌ها و پژوهش‌های مربوط به اجرای خط‌مشی عمومی به «توسعه دانش نظام‌مند در مورد آنچه در هنگام دست و پنجه نرم کردن مجریان با یک مسئله عمومی ظاهر شده و یا به وجود می‌آید» می‌پردازند (هیل و هیوپ، ۲۰۰۹: ۱۲).

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی زیرمجموعه‌ای از خط‌مشی‌گذاری عمومی است (مک‌گویگان، ۲۰۰۴: ۵). سیاست (خط‌مشی) فرهنگی شامل همه اقدام‌هایی شمرده شده که از سوی دولت، نهادهای خصوصی و اتحادیه‌های اجتماعی برای سمت‌دهی توسعه نمادین، برآوردن نیازهای فرهنگی در مردم و دستیابی به توافق درباره شکلی از نظم یا دگرگونی اجتماعی، انجام می‌شود. به عبارت ساده‌تر، سیاست فرهنگی شامل اصول مکتوب و غیرمکتوبی است که از سوی برنامه‌ریزان برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های مختلف فرهنگی تدوین می‌شود و توسط مدیران به اجرا درمی‌آید (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). مطالعه خط‌مشی فرهنگی یک حوزه پژوهشی کاربردی است و بنابراین باید به نحوی عملگرایانه‌تر با آن برخورد شود (مک‌گویگان، ۲۰۰۴: ۳).

برای سیاست فرهنگی تعاریف مختلفی ارائه شده است که در این مقاله تعریف

شورای عالی انقلاب فرهنگی، تعریف مبنای مقاله می‌باشد: «سیاست فرهنگی در حقیقت همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم‌الرعایه در حرکت فرهنگی است. سیاست فرهنگی را می‌توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه علائم و نشانه‌هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، نوعی دستورالعمل فرهنگی است که روشنگر حرکت است... بنابراین سیاست فرهنگی معاهده‌ای است که سلسله‌ای از اولویت‌ها و اصول و فروع یک حرکت فرهنگی را «رسمیت» می‌دهد و هم‌فکری و هم‌جهتی را با همکاری و هماهنگی توأم می‌کند. میثاقی است ملهم از آرمان‌ها و اعتقادات، ناظر بر تجربه‌ها و واقعیات، محدود به ظرفیت‌ها و امکانات، توجه به آینده و اهداف بعید و قریب، که به هر حال در ظل و ذیل قانون اساسی قرار گرفته است.» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱).

۳۷

عوامل تأثیرگذار بر اجرای خطمشی

در ادبیات خطمشی‌گذاری نظریه‌پردازان مختلف عوامل متعددی را به‌عنوان عوامل اثرگذار بر اجرا معرفی کرده‌اند. در یکی از اولین مدل‌های اجرای خطمشی، ون‌متر و ون‌هورن متغیرهای دخیل در اجرا را که رابطه میان خطمشی و عملکرد را شکل می‌دهند، شامل اهداف و استانداردهای خطمشی، منابع خطمشی، ارتباطات بین سازمانی و اقدامات پیاده‌سازی، ویژگی‌های نهادهای مجری، شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تمایلات مجریان می‌دانند (ون‌متر و ون‌هورن، ۱۹۷۵).

در سال ۱۹۷۷، مارتین رین و فرانسین رایبنویتز پیشنهاد نمودند که فرایند اجرا به‌عنوان حاصل سه امر بررسی شود:

- احترام به مقاصد قانونی
- دغدغه کارگزاران مدنی برای عقلانیت ابزاری
- انتظار عمومی که حرکت هم‌نوا، اجماع، هم‌در بین نهادهای مجری و هم‌در سیستم سیاسی بیرونی آنها را ایجاب می‌کند (رین و رایبنویتز، ۱۹۷۷: ۳۹؛ نقل در سبتیر و مزمنین، ۱۹۷۹).

در سال ۱۹۷۹ مزمنین و سبتیر در مقاله «اجرای خطمشی عمومی: چارچوب تحلیل» فهرست نسبتاً جامعی شامل ۱۷ متغیر تأثیرگذار بر اجرا را ارائه نمودند. در نگاه آنان

تحلیل اجرا شناسایی عواملی است که بر دستیابی به اهداف قانونی از خلال فرایند کلی اثر می‌گذارند. آنان این عوامل را به سه طبقه کلی تقسیم می‌کنند:

- قابلیت کنترل آسان مسئله (۴ متغیر)
- توانایی قانون برای ساختاردهی به اجرا (۷ متغیر)
- اثر خالص دامنه‌ای از متغیرهای سیاسی بر ایجاد توازن در حمایت‌ها از اهداف قانونی (۶ متغیر) (سبتیر و مزمنین، ۱۹۷۹)

جیاچینو و کاکابادس نیز با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از مستندات، گزارش‌ها و مصاحبه با افراد کلیدی در اجرای سیاست، هیجده عامل موفقیت اجرای یک سیاست را شامل رویکرد (اثربخش)، نگرش (مثبت)، تعهد، همکاری، برنامه‌ریزی (اثربخش)، منبع (اثربخش)، جدیت و اشتیاق، رهبری، موقعیت پاسخگویی سیاسی، سبک و شیوه مدیریت، حس مالکیت، مدیریت پروژه و تیم، شرح نقش و وظیفه، توانایی‌ها و مهارت‌ها، درگیربودن ذینفعان، اعتماد، کاربرد شبکه‌ها و ارزش‌ها/ منافع معرفی می‌کنند (جیاچینو و کاکابادس، ۲۰۰۳).

۳۸

روش تحقیق

در این تحقیق به دلیل آنکه لازم بود با توجه عمیق به بستر و زمینه تحقیق و با استخراج دانش ضمنی خبرگان، پدیده مورد مطالعه از ابعاد مختلف مورد جست‌وجو قرار گرفته و تصویری تفصیلی از اجرای سیاست‌های فرهنگی در کشورمان طی بیش از دو دهه به‌دست آید، لذا از روش تحقیق کیفی که رویکردی منعطف بوده و یافته‌های آن به‌صورت خودجوش ظاهر می‌شوند، استفاده شده و از بین استراتژی‌های مختلف تحقیق کیفی، از استراتژی «تحلیل مضمونی»^۱، که به خلاقیت‌های محقق در جریان داده‌کاوی ارج گذاشته و لذا محقق می‌تواند شیوه و مراحل خاص خود را دنبال کرده و به‌غنای این شیوه بیفزاید (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۸) استفاده شده است.

در مجموع بر اساس پیاز پژوهش^۲ (ساندرز و دیگران، ۲۰۰۹: ۱۰۸ و دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۹۱: ۴) لایه‌های مختلف تحقیق حاضر بدین ترتیب است:

1. Thematic Analysis
2. Research Onion

- جهت‌گیری پژوهش: کاربردی
- فلسفه پژوهش: ساخت‌گرایی
- رویکرد پژوهش: استقرایی
- استراتژی پژوهش: تحلیل مضمونی
- هدف پژوهش: تبیین ساختاری
- افق زمانی: مقطعی

- شیوه گردآوری داده‌ها: مطالعات کتابخانه‌ای - مصاحبه کیفی نیمه‌ساخت‌یافته

- روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری با استفاده از تکنیک‌های هدفمند چندگانه شامل سه راهبرد «نمونه‌گیری با حداکثر تنوع^۱»، «نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (اشتهار)^۲» و «نمونه‌گیری گلوله برفی^۳»

۳۹

استراتژی مورد استفاده در این تحقیق، «تحلیل مضمونی» می‌باشد. یکی از قوی‌ترین روش‌هایی که قادر است قطعات گسسته و پراکنده واقعیت اجتماعی را به روشی نظام‌مند در کنار یکدیگر سازمان داده و تصویری جامع از آن ارائه دهد، روش تحلیل مضمونی است. تحلیل مضمونی یک راهبرد تقلیل و تحلیل داده‌هاست که توسط آن داده‌های کیفی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی^۴ می‌گردند. تحلیل مضمونی اصولاً یک راهبرد توصیفی است که یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌نماید (گیون، ۲۰۰۸: ۸۶۷). در واقع به تحلیل مضمونی باید به‌مثابه یک روش بنیادین برای تحلیل کیفی نگریست؛ زیرا این روش مهارت‌های محوری برای انجام بسیاری از شکل‌های دیگر تحلیل کیفی فراهم می‌آورد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمونی دارای رویه‌های مختلفی می‌باشد که در این تحقیق از رویه کینگ و هاروکز که در سال ۲۰۱۰ بر اساس جمع‌بندی چندین رویه مختلف ارائه شده است استفاده شده است. این رویه دارای سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر است و فرایند آن در نمودار ۱ نشان داده شده است:

1. Maximum Variation Sampling
2. Reputational Case Sampling
3. Snowball Sampling
4. Reconstructed



۴۰

نمودار ۱: فرایند تحلیل مضمونی (کینگ و هاروکز، ۲۰۱۰: ۱۵۳)

در این تحقیق بر اساس فرایند سه مرحله‌ای فوق ۴۰ مصاحبه با خبرگان، مدیران و صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و اجرا سیاست‌های فرهنگی طی دو دهه گذشته صورت گرفت و مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع مضمونی^۱ یعنی زمانی که مضامین تفسیری به انسجام رسیده و داده‌های جدید، ارزش افزوده جدیدی تولید نمی‌کردند، ادامه پیدا کرد. مشخصات مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

جدول ۱: سطح تحصیلات مصاحبه‌شوندگان

دکتری	تحصیلات حوزوی و دکتری	دانشجوی دکتری	تحصیلات حوزوی	کارشناسی ارشد	کارشناسی
۱۲ نفر	۱ نفر	۶ نفر	۲ نفر	۷ نفر	۲ نفر

جدول ۲: رشته تحصیلی مصاحبه‌شوندگان

جامعه‌شناسی	فرهنگ و ارتباطات و سیاست‌گذاری فرهنگی	مدیریت	علوم سیاسی	الهیات و تحصیلات حوزوی	فنی - مهندسی و پزشکی
۴ نفر	۵ نفر	۱۱ نفر	۵ نفر	۴ نفر	۲ نفر

جدول ۳: سوابق مدیریتی مصاحبه‌شوندگان

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی	سردبیر یکی از روزنامه‌های بزرگ کشور
معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	معاون پژوهشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
معاون برنامه‌ریزی و توسعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مدیرکل حوزه اروپا - آمریکا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
مدیرکل امور استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	رئیس مرکز گسترش زبان فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
مدیرکل ارشاد اسلامی استان‌های تهران، کرمان، ایلام، قزوین، مرکزی و اصفهان	رایزن فرهنگی ایران در فرانسه و یونان
معاون اداره کل ارشاد اسلامی استان تهران	معاون آموزش، پژوهش و برنامه‌ریزی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی
مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	معاون آموزش و پژوهش نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
مدیرکل دفتر توسعه مشارکت‌های فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	هنرمندان و فعالان فرهنگی در حوزه‌های فیلم، کتاب و شعر
مدیرکل روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مدیرکل امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش
رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی	معاون روابط عمومی شهرداری تهران
رئیس حوزه هنری استان تهران	معاون فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی تهران
مدیران ارشد دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه‌های مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی و مهندسی فرهنگی کشور	رئیس مؤسسه فرهنگی سازمان آکو
مدیران چندین مؤسسه فرهنگی - هنری خصوصی	معاون اجتماعی - فرهنگی و شوراهای وزارت کشور
مدیران چندین تشکل فرهنگی مردمی	مدیر دبیرخانه شورای فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد

مدیران و کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق	مدیر برنامه‌ریزی محتوایی مرکز طرح و برنامه‌ریزی صدا و سیما
رؤسای پژوهشگاه‌های فرهنگ، هنر و ارتباطات و فرهنگ و معارف	مدیر مطالعات فناوری رسانه مرکز طرح و برنامه‌ریزی صدا و سیما
معاونان و مدیران ارشد نهادهای مختلف پژوهشی از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، فرهنگستان علوم اسلامی، مرکز مطالعات فرهنگ و ارتباطات و پژوهشگاه فرهنگ و معارف	معاون اداره کل اجتماعی استانداری تهران
مدیران دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی و کمیته‌های تخصصی آن	معاون نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور

بر مبنای فرایند سه مرحله‌ای تحلیل مضمونی، در مرحله اول، محقق به کدگذاری توصیفی مصاحبه‌های صورت گرفته پرداخت. در این مرحله ابتدا مصاحبه‌های انجام‌شده به ترتیب اجرا، پیاده‌سازی می‌گردید. سپس متن پیاده شده به نرم‌افزار MAXQDA وارد شده و مورد تحلیل قرار می‌گرفت. در واقع محقق با مطالعه دقیق و خط به خط جملات مصاحبه‌ها، مضامین توصیفی را به هر قطعه از جملات نسبت داده و بدین ترتیب ۳۸۰ کد توصیفی که ۶۹۸ ارجاع از مصاحبه‌ها به آنها صورت گرفته بود، تولید شد.

در مرحله دوم فرایند تحلیل مضمونی، با مقایسه مستمر^۱ و چندین باره کدهای توصیفی تولیدشده در مرحله قبل، کدهای تفسیری ایجاد گشتند. برای تولید کدهای تفسیری چندین کد توصیفی در ذیل چتر یک کد تفسیری جمع شده و آن را تشکیل دادند. کدهای تفسیری گاه از ترکیب چند کد توصیفی و گاه از آوردن چند کد توصیفی در ذیل یک کد توصیفی موجود و گاه از جمع چند کد توصیفی در ذیل یک کد تفسیری تولیدشده توسط محقق به وجود می‌آمدند. شایان ذکر است مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. اشباع نظری از طریق عدم تولید ارزش افزوده جدید معتنا به در چند مصاحبه متعدد انتهایی، عدم تولید مضامین تفسیری جدید و به انسجام مفهومی رسیدن عوامل تشخیص داده شد.

البته گفتنی است که کدهای تفسیری بعد از تمامی کدهای توصیفی تولید نمی‌شوند

بلکه به صورت موازی و در یک فرایند متداخل مقایسه مستمر تولید و بازتولید می‌گردند. در مرحله سوم از فرایند تحلیل مضمونی، مضامین شکل گرفته در مصاحبه‌ها، تحت چهار مضمون فراگیر عوامل زمینه‌ای، عوامل ساختاری، عوامل کارکردی و عامل رفتاری جامعه سامان یافتند.

ارزیابی اعتمادپذیری^۱ تحقیق

محققان کیفی همواره بحث نموده‌اند که چگونه می‌توان کیفیت تحلیل‌ها و تفسیرهای نظری آنها از داده‌ها را ارزیابی نمود (فریمن^۲ و دیگران، ۲۰۰۹). گوبا معتقد است اصطلاحاتی مانند روایی و اعتبار به گونه‌ای با پژوهش کمی پیوند خورده‌اند که در قضاوت درباره پژوهش کیفی، ما را در معرض خطر استفاده از معیار نامناسب قرار می‌دهند (صدوقی، ۱۳۸۷). بدین ترتیب اکثر روش‌شناسان کیفی به جای استفاده از واژگان روایی و پایایی که اساساً و از لحاظ مبانی فلسفی ریشه در پارادایم کمی دارند، از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند (توینینگ^۳، ۲۰۰۰: ۱۰) قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن اعتماد نمود (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۸۴). گوبا و لینکلن قابلیت اعتماد را شامل چهار معیار قابل قبول بودن^۴، انتقال‌پذیری^۵، قابلیت اطمینان^۶ و تأییدپذیری^۷ می‌دانند (سینکویکز^۸ و دیگران، ۲۰۰۸)، آنها معیارهای فوق را به ترتیب با چهار معیار پژوهش کمی متعارف، یعنی روایی درونی، روایی بیرونی، پایایی و عینیت، جفت کرده و پیوند داده‌اند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۸۴ و سینکویس و دیگران، ۲۰۰۸). بر اساس آنچه گفته شد در این تحقیق نیز از اعتمادپذیری به عنوان معیار کیفیت تحقیق استفاده شده و استراتژی‌های زیر برای تأمین اعتمادپذیری تحقیق استفاده گردید:

1. Trustworthiness
2. Freeman
3. Twining
4. Credibility
5. Transferability
6. Dependability
7. Confirmability
8. Sinkovics

جدول ۱: روش‌های تأمین اعتمادپذیری تحقیق حاضر

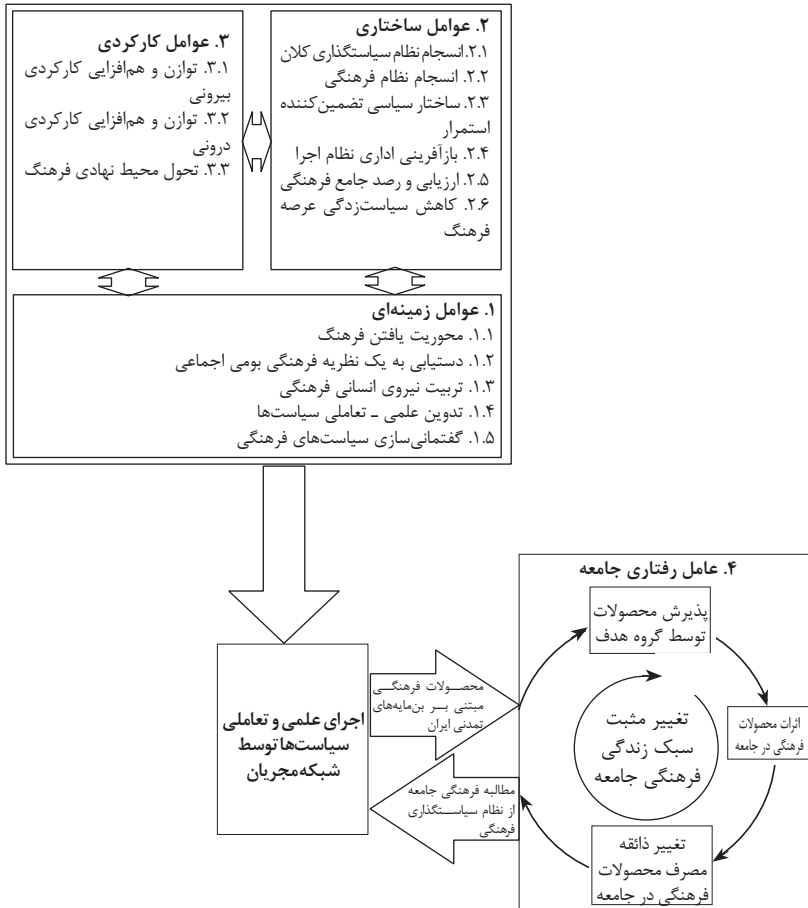
معیار	زیرمعیارها		توضیح	استراتژی تأمین	توضیح اقدام صورت گرفته
	روایی	روایی			
روایی ووردی‌های تحقیق	روایی داده‌های ووردی تحقیق	روایی داده‌های ووردی تحقیق	میزان روایی منابعی که داده‌های ووردی تحقیق از آنها گردآوری شده است و سطح دانش و تجربه آنها در زمینه موضوع تحقیق	نمونه‌گیری گلوله‌برفی (نیومن ^۱ ، ۲۰۰۰: ۱۹۹ و تدلی و یو ^۲ ، ۲۰۰۷)	معرفی و تضمین مصاحبه‌شوندگان بعدی توسط مصاحبه‌شوندگان قبلی
			نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (اشتهار، (سیخومبوزو ^۳ ، ۲۰۰۹: ۱۷ و اسنو ^۴ و دیگران، ۱۹۸۱)	انتخاب مصاحبه‌شوندگان بر اساس توصیه متخصصان یا مطلعان کلیدی	
قابلیت قبول بودن سازندگان واقعیت چندگانه اولیه باورپذیر هستند؟	روایی توصیفی (مکسول ^۵ ، ۱۹۹۲)	روایی توصیفی (مکسول ^۵ ، ۱۹۹۲)	به‌صحت گزارش‌های اطلاعات توصیفی (توصیف حوادث، اشیاء، رفتارها و ...) اشاره دارد	بازخور مشارکت‌کننده	ارائه کدهای توصیفی نسبت داده شده به هر قطعه از مصاحبه‌ها به مصاحبه‌شونده و دریافت نظرات اصلاحی او اعمال آن در کدگذاری توصیفی
	روایی تحلیلی‌های انجام شده در تحقیق	روایی تفسیری (ماکسول ^۵ ، ۱۹۹۲)	به درجه ای که نیت، نگرش، رفتار و تجربیات مشاهده‌کننده به‌صورت دقیق توسط محقق درک و گزارش می‌شود، اشاره دارد	بازخور مشارکت‌کننده	ارائه کدهای تفسیری (تفسیرهای محقق از بخش‌های مختلف بیانات مصاحبه‌شونده) به ایشان و دریافت نظرات اصلاحی و اعمال آن در کدگذاری تفسیری
				استفاده از توصیف‌گرهای با حداقل مداخله (فقیهی و علیزاده، ۱۳۸۴)	بهره‌گیری از عبارات توصیفی مانند «نقل قول» در تفسیرها (گزارش پدیده طبق روایت اطلاع‌رسان‌ها)
روایی یافته‌های تحقیق	روایی تئوریک (ماکسول ^۵ ، ۱۹۹۲)	روایی تئوریک (ماکسول ^۵ ، ۱۹۹۲)	میزان سازگاری بین تبیین تئوریکی تحقیق کیفی با داده‌ها از دو وجه: - مفاهیم یا دسته‌بندی‌ها - روابط میان مفاهیم	سنجش باورپذیری درونی (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۱۱)	ارائه تبیین‌های تئوریک حاصل تحقیق به مصاحبه‌شوندگان و دریافت نظرات اصلاحی و اعمال آنها در این تبیین‌ها
				سنجش باورپذیری بیرونی (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۱۱)	ارائه تبیین‌های تئوریک حاصل تحقیق به خبرگانی که با آنها مصاحبه نشده بود و دریافت نظرات اصلاحی و اعمال آنها در این تبیین‌ها

1. Neuman
2. Teddlie & Yu
3. Sikhumbuzo
4. Snow
5. Maxwell

معیار	توضیح	استراتژی تأمین	توضیح اقدام صورت گرفته
انتقال پذیری	درجه‌ای که نتایج یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شده و برای یک جمعیت متفاوت به کار رود	استفاده از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۸)	انتخاب مصاحبه‌شوندگان با تنوع بالا، از گروه‌های مختلف عملی - نظری، در نهادهای مختلف فرهنگی و در سطوح مختلف
		استفاده از روش نمونه‌گیری بر مبنای اعتبار (اشتهار)	انتخاب مصاحبه‌شوندگان با مشاوره متخصصان از بین افراد معتبری چون وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونین آنها، مدیران کل ارشاد اسلامی استان‌های مختلف کشور، اساتید دانشگاه با سابقه اشتغال در حوزه فرهنگ، مدیران نهادهای بزرگ فرهنگی کشور، مدیران مؤسسات خصوصی فرهنگی موفق، مدیران تشکلهای مردمی فرهنگی موفق و هنرمندان موفق
		وصف تفصیلی همه جزئیات مرتبط با فرایند تحقیق	ارائه یک تصویر مفصل از زمینه‌ای که پژوهش در آن انجام شده است با هدف دادن اطلاعات کافی به خواننده برای قضاوت درباره کاربردپذیری یافته‌ها در محیط‌های دیگر
قابلیت اطمینان	میزانی که در آن فرایند بررسی اطمینان‌پذیر است؛ و نیز توانایی شناسایی جایی که داده‌های یک مطالعه معین از آن آمده، گردآوری شده و به کار رفته‌اند.	ممیزی قابلیت اطمینان (توینینگ، ۲۰۰۰: ۱۰)	در اختیار گذاشتن داده‌ها، روش‌ها و تصمیمات اتخاذشده در پژوهش با هدف امکان‌پذیری بازبینی و موشکافی تحقیق توسط دیگر پژوهشگران
تأییدپذیری	قابلیت ارزیابی و تأیید چگونگی گردآوری و تحلیل داده‌ها توسط محقق. در این زمینه محقق باید نشان دهد که یافته‌های او عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند.	ارائه جزئیات روش‌ها و داده‌های تحقیق	ارائه گزیده مصاحبه‌ها و نیز توضیح روند تحلیل داده‌ها تا دستیابی به نتایج تحقیق که کاملاً مبتنی بر داده‌ها هستند.

تحلیل دستاوردهای تحقیق

در این تحقیق با انجام ۴۰ مصاحبه با خبرگان فرهنگی کشور و تحلیل آنها طی فرایند تحلیل مضمونی، عوامل تسهیل‌کننده اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور در چهار دسته عوامل زمینه‌ای، عوامل ساختاری، عوامل کارکردی و عامل رفتاری جامعه ظهور یافتند که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده و در ادامه تشریح می‌گردند.



نمودار ۲: عوامل تسهیل‌کننده اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور مبتنی بر تجربیات برنامه‌های اول تا چهارم توسعه

در ادامه، عوامل پانزده‌گانه تسهیل‌کننده اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور مبتنی بر مصاحبه‌های صورت‌گرفته، تحلیل می‌گردد. شایان ذکر است تحلیل‌های صورت‌گرفته برای این عوامل با استفاده از مصاحبه‌های انجام‌شده ارائه شده است، اما در مواردی که عین جمله مصاحبه‌شونده‌ای مورد استناد قرار گرفته در انتهای نقل قول کد مصاحبه و بندی از مصاحبه پیاده‌شده که به آن استناد شده ارائه گردیده است. مثلاً (م: ۲۶: ۱۰-۳) به معنای مصاحبه ۲۶ بندهای ۳ تا ۱۰ است.

۱. عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای در اینجا به عواملی اطلاق می‌شود که بستر و زمینه اجرای اثربخش سیاست‌ها را فراهم می‌آورند. این عوامل به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

۱.۱. محوریت فرهنگ

علی‌رغم آنکه انقلاب اسلامی در تقسیم‌بندی انقلاب‌های جهان، ماهیتاً یک انقلاب فرهنگی به حساب می‌آید ولی شاید بتوان گفت یکی از مغفول‌ترین و مظلوم‌ترین حوزه‌ها در کشور، حوزه فرهنگ بوده است در حالی که اولین بستر و زمینه لازم برای اجرایی شدن آرمان‌های متجلی شده در سیاست‌های فرهنگی نظام، خارج شدن فرهنگ از مظلومیت و قرار گرفتن آن در کانون توجه مسئولان اجرایی نظام و محوریت فرهنگ در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و حساسیت و دغدغه مسئولین در قبال فرهنگ می‌باشد.

۱.۲. دستیابی به یک نظریه فرهنگی بومی اجماعی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اجرای سیاست‌های فرهنگی در طی سه دهه گذشته در کشور ما این بوده است که تکلیف ما در قبال موضوعات مختلف فرهنگی و هنری مشخص نبوده (م ۲۶: ۱۰-۳) و همواره شاهد رفتارهای پارادوکسیکال و مبتنی بر سلیقه‌های سیاست‌گذاران و مجریان بوده‌ایم. در حالی که پیش‌نیاز دارا بودن یک نظام فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی منسجم، دستیابی نخبگان فکری - فرهنگی کشور به یک «نظریه فرهنگی» بومی و اجماع بر سر آن است و بدون دستیابی به این نظریه، هرگونه سیاست‌گذاری و اجرایی با مشکل روبرو خواهد بود.

بر این اساس در کشور ما نیز لازم است نخبگان فکری - فرهنگی موضع نظام فرهنگی در قبال موضوعات مختلف فرهنگی و هنری را در قالب نظریه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مشخص نموده و بر سر آن اجماع عمومی حاصل نمایند و از آن پس نظام فرهنگی و حمایت‌های آن در تمامی دولت‌ها بر طبق نظریه فرهنگی تدوین شده عمل نماید.

۱.۳. گفتمانی‌سازی سیاست‌های فرهنگی

یکی دیگر از زمینه‌های اجرای موفق سیاست‌ها، گفتمانی‌شدن آنها در بین مردم جامعه و نیز در بین سیاست‌گذاران و مجریان می‌باشد. از بعد اجتماعی و مردمی، در صورتی می‌توان آرمان‌ها را در جامعه به‌فعلیت رساند که بتوان آن را به یک گفتمان عمومی تبدیل کرد. گفتمان‌سازی با افناعی که در پی دارد، عمل فرهنگی انسان‌ها را سامان داده و معنا می‌بخشد و آرمان‌ها و ارزش‌ها را در زندگی و عمل روزمره انسان‌ها عینیت

می‌دهد (م ۲۰: ۲۲۳). برای اجرای موفق، سیاست‌ها باید به یک خواست عمومی و گفتمان تبدیل شوند و به شکل ارزش عمومی جامعه درآیند (م ۲۸: ۱۷۸) چرا که تا وقتی جامعه (از طریق گفتمان‌سازی) اقناع نشود، سیاست‌های فرهنگی را اجرا نخواهد کرد (م ۱۴: ۱۶۰).

همچنین با توجه به آنکه یکی از علل مهم عدم اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور، عدم اعتقاد مدیران به سیاست‌ها و فاصله فضای ذهنی سیاست‌گذاران و مدیران می‌باشد لذا لازم است این گفتمان‌سازی در سطحی عملیاتی‌تر و تفصیلی‌تر از طریق ساز و کارهایی همچون برگزاری جلسات هم‌اندیشی انجام شده تا نظام اجرای فرهنگی به یک درک مشترک از سیاست‌ها دست یابد و چشم‌انداز و سیاست‌های فرهنگی به دغدغه ذهنی و برنامه عملی مدیران تبدیل شود.

۱.۴. تربیت نیروی انسانی فرهنگی

نظام اجرای سیاست‌های فرهنگی به دلیل نرم و به تبع آن انسان‌محور بودن^۱، برای موفقیت و دستیابی به اهداف خود نیازمند تربیت نیروی انسانی خبیره، متخصص و دارای تفکر فرهنگی در تمامی رده‌های اجرا می‌باشد و هرگونه موفقیتی در این حوزه در گرو وجود انسان‌های شایسته دارای تفکر فرهنگی می‌باشد.

در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین معضلات نظام فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی کشور، کمبود نیروی انسانی شایسته و دارای تعهد، تخصص و تفکر فرهنگی می‌باشد: مشکل اساسی حوزه فرهنگ، این است که نیروهای توانمند و خلاق، به آن جذب و از آنها حمایت نمی‌شوند و ساختارها برایشان جذابیت ندارد (م ۳۲، ۱۰۴). اگر فقط برنامه را تدوین کنیم، هیچ‌کاری نکرده‌ایم چون مهم‌تر از برنامه، نیرو است (م ۳۲، ۹۸). شورای عالی انقلاب فرهنگی، باید بیش از سیاست و برنامه به فکر نیرو باشد. آنها باید بیش از هر چیز، به این فکر کنند که چه جنس نیروهایی لازم داریم (م ۳۲، ۱۰۰).

۱.۵. تدوین علمی - تعاملی سیاست‌ها

یکی از دلایل عمده عدم اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور، تدوین سیاست‌های مبهم، چندپهلوی و فرازمانی و فرامکانی بوده است که بدون مسئله‌شناسی و نیازسنجی

۱. در مقابل حوزه‌های سخت مانند صنعت که در بسیاری موارد امروز ماشین‌محور و تکنولوژی‌محور شده‌اند.

فرهنگی درست وضع شده‌اند، در حالی که سیاست خود باید با تدوین علمی و تعاملی و نیازسنجی، محیط‌سنجی و مقدورسنجی لازم در حین تدوین، زمینه‌های اجرای خود را فراهم آورد و اولاً در آن، جوانب مختلف مسئله دیده شده و به موانع احتمالی حین اجرا نیز در فاز تدوین سیاست توجه شده باشد و ثانیاً با شکل‌گیری در یک فضای تعاملی بین سیاست‌گذاران، مدیران و نخبگان و فعالان عرصه فرهنگ موجب اعتقاد به سیاست‌ها در میان مجریان شده و گفتمانی‌شدن آن تسهیل گردد.

بنابراین لازم است اولاً طی یک فرایند علمی و تعاملی یک سیاست فرهنگی بلندمدت و مورد اجماع برای کشور تدوین و آنگاه سیاست‌های فرهنگی پنج‌ساله در جهت و هم‌سو با آن به‌نحوی تعاملی و بر اساس مسئله‌شناسی و نیازسنجی علمی تدوین شده و بدین ترتیب بستری آماده را برای اجرا و دستیابی به اهداف فراهم آورند.

۲. عوامل ساختاری

دومین دسته عوامل تأثیرگذار بر اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور، عوامل ساختاری هستند. عوامل ساختاری در این تحقیق به آن دسته از عوامل اطلاق می‌شود که به «سیستم و ساختار» فرهنگی کشور مربوط می‌شوند و در ذیل تشریح می‌گردند:

۲.۱. انسجام نظام سیاست‌گذاری کلان

نظام فرهنگی و به تبع آن نظام سیاست‌گذاری فرهنگی تحت تأثیر نظام سیاست‌گذاری کلان کشور قرار دارند و لذا برای آنکه بتوانند به‌خوبی عمل کرده و سیاست‌های خود را به‌طور موفق به اجرا درآورند لازم است نظام سیاست‌گذاری کلان کشور نیز دارای وحدت و انسجام ساختاری لازم باشد. اما در حال حاضر این رویکرد منسجم و واحد در نظام سیاست‌گذاری کلان کشور وجود ندارد. از یک‌سو در طی ۴ برنامه توسعه اجرا شده همواره تفاوت‌ها و در برخی مقاطع تعارض‌هایی بین رویکرد رهبری معظم نظام، با رویکرد دولت وجود داشته و از سوی دیگر در هر دوره، به فراخور گرایش دولت‌های حاکم، تصمیم‌گیری‌های کلان معطوف به اقتصاد یا سیاست شده و در حالی که همواره در شعارها بر فرهنگی‌بودن انقلاب و اهمیت فرهنگ تأکید می‌شود همواره در طی سه دولت حاکم در طی برنامه‌های اول تا چهارم، فرهنگ در آخرین درجه اهمیت اجرایی و عملی قرار داشته است.

بنابراین برای اجرایی‌شدن سیاست‌های فرهنگی لازم است نظام، در سطح کلان به

یک رویکرد منسجم و واحد رسیده و از آن پس همان رویکرد در رده راهبردی حاکم گردد و تمامی سیاست‌های کشور بر مبنای همان رویکرد تدوین و اجرا گردد. هر نظامی که رویکرد واحدی در رده استراتژیک آن دیده نشود، با مشکل روبه‌رو خواهد گشت. در غرب، تلاش کرده‌اند رویکرد اقتصادی را در رده مدیریت استراتژیک، حاکم سازند. در چین، در رده استراتژیک، رویکرد اقتصادی واحدی حاکم می‌باشد، در ژاپن نیز همین‌طور. ولی در نظام جمهوری اسلامی، چنین رویکردی که باید اسلامی و فرهنگی باشد، حاکم نیست. در نتیجه، همان ضعف‌هایی که در اجرای سیاست‌های اقتصادی دیده می‌شد، در اجرای سیاست‌های فرهنگی و سایر حوزه‌ها نیز به چشم می‌خورد (م ۳: ۱۰۹-۱۰۸).

۲.۲. انسجام نظام فرهنگی

علاوه بر انسجام در سطح کلان، اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی، مستلزم انسجام نظام فرهنگی نیز می‌باشد و طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، عدم انسجام باعث گردیده سیاست‌ها، نتوانند به‌درستی اجرا گردند. در حال حاضر در نظام فرهنگی کشور جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نسبت آن با دولت مشخص نیست و تقریباً در هیچ دوره‌ای این شورا مورد تمکین دولت‌های حاکم واقع نشده (م ۱۱: ۲) و شورا در صورت تصویب سیاست، قدرتی برای اجرا، نظارت و کنترل آن نداشته است (م ۲۳: ۴۵) از سوی دیگر در حال حاضر یک تشنت بسیار وسیع در مراجع سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی وجود داشته و انسجام ساختاری لازم در نظام فرهنگی حاکم نیست.

بنابراین از آنجا که توفیق در اجرایی شدن سیاست‌ها و دستیابی به نتایج مورد انتظار نیازمند دارا بودن یک نظام فرهنگی منسجم می‌باشد که جایگاه هر یک از بخش‌ها در آن مشخص بوده و مورد پذیرش بقیه بخش‌ها نیز واقع شده باشد، ایجاد انسجام ساختاری در نظام فرهنگی از عوامل مهم مؤثر بر اجرایی شدن سیاست‌ها به‌شمار می‌رود.

۲.۳. کاهش سیاست‌زدگی عرصه فرهنگ

یکی از اساسی‌ترین مشکلات عرصه فرهنگ سیاست‌زدگی شدید آن بوده است که منجر به بی‌ثباتی در عرصه‌ای شده است که اساساً به‌دلیل نمایان شدن آثار آن در بلندمدت باید بسیار باثبات باشد. سیاست‌زدگی عرصه فرهنگ باعث شده مدیران این عرصه نتوانند با اطمینان به آینده و آرامش خاطر به اجرای سیاست‌ها و طرح‌های بلندمدت بپردازند:

مشکل عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی ما این است که سلطه خرده نظام سیاسی بر عرصه فرهنگ بسیار زیاد است (م ۱۳: ۴۸) و عرصه فرهنگ فوق‌العاده سیاسی و سیاست‌زده شده است (م ۲۰: ۴۷). در واقع سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران زیر سایه اختلاف‌های جناحی و گرایش‌های سیاسی است (م ۲۰: ۲۳۸). هر نوع سیاست‌گذاری، تحت تأثیر مصالح همان دولتی انجام می‌شود که در آن دوره قدرت دارد (م ۱: ۱۰۹).

در این فضا مدیران اجرایی ما، که مجربان سیاست‌های دولت هستند، بیشتر، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت، تصمیم‌گیری می‌نمایند و همواره برای جلب نظر مدیران ارشد، گروه‌های رأی‌ساز و غیره برای باقی ماندن در قدرت، در عوض سیاست‌های بلندمدت مصوب، ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت را بر اجرا حاکم می‌کنند.

در چنین شرایطی، برای آنکه به‌واقع، «سیاست‌ها» در سیستم اجرایی شوند، می‌باید این سیاست‌زدگی مفرط را از عرصه فرهنگ زدود و به مدیران اجازه داد در فضایی باثبات و درک‌کننده ماهیت بلندمدت تغییرات فرهنگی به اجرای سیاست‌ها بپردازند.

۲.۴. ساختار سیاسی تضمین‌کننده استمرار

فرهنگ ماهیتی عمیق و بطئی دارد و لذا لازم است ساختار سیاسی‌ای در آن حاکم شود که استمرار را تضمین نموده و در اثر تداوم اجرا، به تغییرات فرهنگی امکان بروز بدهد: در ۱۵ سال تجربه من، یکی از آسیب‌های اجرا، تغییر و تحولات سریع، زیاد و بدون استدلال بوده! تغییراتی که هیچ استدلالی برایش وجود ندارد. مثلاً شما تعامل بین شیعه و سنی را فدای انتخابات می‌کنید در حالی که این، جزو اصول شماسست و طی ۵۰ سال هم نباید تکان بخورد. شما آیا می‌خواهید کشورتان شیعی بماند یا نه؟ کشور شیعی، اصول معینی دارد. نمی‌توانید هر ۴ سال یک‌بار، آن را جابه‌جا کنید. وقتی که چیزی وابسته به دولت‌هاست، تحولاتش سریع‌تر از چیزی می‌باشد که وابسته به نهادهای دیرپاتری مثل رهبری باشد (م ۲۵: ۱۱۴-۱۱۳) چرا که این ساختار مانع استمرار در اجرا و انباشت تجربیات می‌شود (م ۱: ۶۱).

فرهنگ پایدار معطوف به جایگاه‌هایی است که هر روز جابجا نشود و دولت‌ها جابجا می‌شوند (م ۱۲: ۲) فرهنگ موضوعی است فراتر از دولت‌ها و دیدگاه‌های خاص آنها و لذا باید ساختاری در این حوزه حاکم شود که فرادولتی بوده و استمرار در اجرای سیاست‌های فرهنگی نظام را تضمین نماید (م ۲۳: ۳۸-۳۶) در واقع فرهنگ

را به دلیل مشکک بودن آن نمی توان به دست تقدیر جابجایی های انتخاباتی سپرد. در واقع ماهیت بلندمدت تغییرات فرهنگی مستلزم مجریانی است که وقتی وارد اجرای فرهنگی می شوند امیدوار باشند که برای یک دوره طولانی می توانند سیاستی را هدایت و راهبری خواهند کرد (م ۱۲: ۲).

۲.۵. بازآفرینی اداری نظام اجرا

نظام اداری بخش فرهنگ، محمل اجرای سیاست های فرهنگی است. این نظام در حال حاضر به بیماری های مختلفی همچون تصلب و لختی، بوروکراسی بیمار، حاکمیت نگاه اداری مقاوم در مقابل تحول و تغییر، عدم وجود تفکر تحول گرا و هدف گرا، نسبت بسیار بالایی بخش ستاد به بخش صف و عدم وجود ارتباط ارگانیک بین دستگاه های مجری مبتلا می باشد و لذا نمی تواند بستر لازم برای اجرای اثربخش سیاست های فرهنگی را فراهم آورد. بنابراین برای تضمین اجرای موفق سیاست ها، لازم است نظام اجرا از لحاظ اداری بازآفرینی شده و در واقع ساختاری که سیاست های می خواهد از طریق آن اجرایی شود، اصلاح گردد.

۲.۶. ارزیابی و رصد جامع فرهنگی

یکی از لازمه های اجرای موفق سیاست ها، رصد فرهنگی دائمی می باشد. در رصد فرهنگی میزان وصول به اهداف و تحقق سیاست ها از طریق شاخص های دقیق توسط یک نهاد فرابخشی غیردینفع برای داوری و سنجش ارزیابی می شود (م ۲۸: ۱۸۶). رصد فرهنگی همچنین شامل مانیتورینگ اثربخشی ها و کم و کیف دستاوردهای سخت و نرم خواهد بود (م ۲۲: ۱۰۹).

در رصد فرهنگی لازم است سه حوزه مورد ارزیابی قرار گیرد:

۱. خروجی ها^۱: محصولات فرهنگی و منافع به وجود آمده از آنها در نسبت با منابع و هزینه های صرف شده برای دستیابی به آن منافع.
۲. آثار^۲ و نتایج: در این ارزیابی مشخص می شود که آیا اهداف از پیش تعیین شده حاصل شده و مسئله ای که خطمشی به دنبال حل آن بوده، حل شده است یا خیر.
۳. پیامدها^۳: در ارزیابی پیامدها، عواقب بلندمدت خطمشی بررسی می شود.

در حال حاضر در ارزیابی سیاست های فرهنگی کشور، عملاً تنها خروجی ها در قالب

1. Outputs
2. Impacts
3. Outcomes

تعداد فیلم‌های تولیدشده، شمارگان کتب تألیف شده و... ارزیابی می‌شود در حالی که آنچه از سیاست‌های فرهنگی توقع می‌رود، حل مسائل فرهنگی و به‌جای گذاشتن پیامدهای بلندمدت در جامعه است.

رصد فرهنگی می‌باید در سه مرحله پیش از اجرا، حین اجرا و پس از اجرا انجام گیرد.

۳. عوامل کارکردی

عوامل کارکردی در این تحقیق به آن دسته از عواملی گفته می‌شود که به کارکردهای نظام فرهنگی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی مربوط می‌شود. این عوامل شامل سه حوزه زیر می‌شود:

۳.۱. توازن و هم‌افزایی کارکردی بیرونی

در یک نظام متوازن کارکردی، سیاست‌های بخش‌های مختلف با یکدیگر ارتباط متوازن و هم‌افزا دارند به طوری که تمامی بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکدیگر را تقویت کرده و سیاست‌های آنها مکمل یکدیگر است.

در طی ۲۰ سال اجرای برنامه‌های توسعه، این توازن کارکردی وجود نداشته و سیاست‌های اجرایی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر یکدیگر آثار منفی کنترل‌نشده‌ای گذارده و در برخی موارد یکدیگر را از لحاظ کارکردی خنثی نموده‌اند. از منظر نظام فرهنگی، همان‌گونه که کارکردهای نظام فرهنگی باید کارکردهای سایر نظام‌ها را تسهیل و تقویت نماید، کارکردهای سایر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز باید کارکرد نظام فرهنگی را تقویت نموده و دستیابی به چشم‌انداز فرهنگی را تسهیل نمایند. در واقع مجموعه سیاست‌های مندرج در یک برنامه پنج‌ساله توسعه می‌باید با یکدیگر هماهنگ و هم‌جهت باشند و ارتباط پویای آنها و تأثیر و تأثرات آنها بر و با یکدیگر در برنامه لحاظ شده باشد. به‌طور مثال اگر در سیاست‌های فرهنگی «ایثار» به‌عنوان ارزش‌هایی که لازم است تقویت شوند لحاظ شده، نظام اقتصادی نباید با عملکرد خود روحیه بخل را در بازار رواج دهد و یا اگر در سیاست‌های فرهنگی به تقویت هویت ملی تأکید شده نظام سیاسی نیز باید به‌طور هم‌افزا آن را تقویت نماید.

سیاست‌ها و اقدامات سیاسی، اقتصادی، قضایی، بهداشتی و انتظامی تأثیر خود را روی فرهنگ عمومی می‌گذارند. در سیاست‌گذاری‌های ما، چنین تأثیراتی، نادیده گرفته می‌شوند (م ۱: ۲۹).

وقتی می‌گوییم «سیاست‌گذاری» یعنی سیاست‌گذاران کلان، جامعه را در نظر بگیرند و بعد بگویند این جامعه، نیازهای متنوعی اعم از حوزه سیاست، فرهنگ و غیره دارد. سپس بگویند که باید نیازها را به‌طور همگن پاسخ دهیم، با این نگاه که جامعه ما، مثلاً بعد از ۲۰ سال، به چنین فضای ثانویه‌ای برسد. اگر در عرصه روحیه ایثار گفتیم می‌خواهیم این کار را کنیم ولی در عرصه اقتصاد، خطی را دنبال نماییم که کاملاً مغایر با آن باشد و در عرصه اجتماعی، خط دیگری را برویم که کاملاً مغایر با آن دو باشد، آیا می‌توان اسم چنین چیزی را سیاست گذاشت؟ (م ۱۴: ۳۷).

از دلایل عمده این عدم توازن کارکردی بیرونی به دو دلیل عمده باید اشاره شود. اولین دلیل، مظلومیت و بی‌اهمیتی عملی فرهنگ طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه بوده که توضیح آن پیش از این ارائه شد؛ و دلیل دوم نیز نگاه بخشی موجود بوده است: در برنامه‌ها نگاه بخشی داشته‌ایم و نگاهمان جامع نبوده که همه نظام‌ها و تأثیر و تأثراتشان را کامل ببینیم. هر ۴ برنامه، دچار این گرفتاری بوده‌اند (م ۱۷: ۷۶-۷۵).

۳.۲. توازن و هم‌افزایی کارکردی درونی

علاوه بر لزوم وجود توازن کارکردی بیرونی در بین نظام‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، برای اجرای موفق سیاست‌ها، باید در درون نظام فرهنگی نیز توازن کارکردی بین سیاست‌های مختلف و دستگاه‌های مختلف وجود داشته باشد. به‌عبارت دیگر فعالیت‌های دستگاه‌های مختلف نباید با یکدیگر هم‌پوشانی و تعارض داشته و یکدیگر را خنثی نمایند بلکه فعالیت‌های آنها باید مکمل یکدیگر بوده و هر یک به تقویت کارکردهای دیگری در جهت دستیابی کشور به چشم‌انداز فرهنگی بپردازند. در حال حاضر از آنجا که تفکیک وظایف و اختیارات بین دستگاه‌ها به‌درستی و شفافیت انجام نشده، برخی کارکردهای دستگاه‌های مختلف یکدیگر را خنثی نموده و متعارض یکدیگرند:

آیا عمل هماهنگ از نهادهای مختلف فرهنگی صادر می‌شود؟ خیر، تجربه ثابت کرده است، حتی کارهایشان با هم تعارض دارد. مثلاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اگر خیلی خوب عمل بکند، می‌آید می‌گوید که من جلوی تولید فیلم‌های خشن را مثلاً می‌گیرم. اگر کسی برود این فیلم‌ها را بسازد من مجوز نمی‌دهم. ولی صدا و سیما می‌رود فیلم‌های صد مرتبه خشن‌تر از خارج می‌خرد و راحت می‌آورد پخش می‌کند. به‌مراتب تأثیرش هم بیشتر است و اینجا یک میلیون نفر فووش می‌روند

فیلم را می‌بینند و آنجا هفتاد میلیون مخاطب هستند که اگر هشتاد درصد بیننده داشته باشد خودش می‌شود ده‌ها برابر این (م ۱۲: ۲) یا مثلاً آموزش و پرورش ممکن است که یک موضوعی را در کتابش درس می‌دهد، یک فیلمی در ارشاد تولید می‌شود، که آن را خراب می‌کند (م ۱۱: ۱۳).

علاوه بر تعارض کارکردی، در مواردی، برخی کارکردها مغفول و بدون متولی مانده است و متولی مشخص و تعیین‌شده‌ای برای آن وجود ندارد.

بر این اساس اجرای درست و کامل سیاست‌های فرهنگی مستلزم آن است که اولاً بین کارکردهای سیاست‌های فرهنگی و دستگاه‌های فرهنگی متولی اجرای این سیاست‌ها تعارضی وجود نداشته باشد و از سوی دیگر کلیه کارکردهای مورد نیاز برای درست عمل کردن نظام فرهنگی توسط دستگاه‌ها پوشش داده شود که مورد اخیر مستلزم ترسیم یک نقشه کلان برای نظام فرهنگی می‌باشد که در آن کلیه کارکردهای مورد نیاز برای دستیابی به چشم‌انداز فرهنگی، مشخص شده و نقش هر یک از بخش‌ها و دستگاه‌ها در آن دیده شده باشد.

۳.۴. تحول محیط نهادی فرهنگ

از نگاه نهادگرایی در هر جامعه نهادها قواعد بازی را تعیین می‌کنند. «نهادها راهنمای کنش متقابل انسان‌ها هستند و... حد و مرز مجموعه انتخاب‌های افراد را تعیین می‌کنند.» کارکرد اصلی نهادها در هر جامعه «تأسیس یک ساختار باثبات برای کنش‌های متقابل انسانی» است و هدف از آن «کاهش عدم‌اطمینان» است. در واقع این نهادها هستند که تعیین می‌کنند افراد چه کارهایی می‌توانند انجام دهند و از انجام چه کارهایی منع شده‌اند. از این‌رو نهادها کاملاً به قواعد بازی در یک ورزش رقابتی تیمی شباهت دارد (وزیری، ۱۳۸۶). یکی از عوامل کارکردی تأثیرگذار بر اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های فرهنگی ایجاد محیط نهادی‌ای است که از لحاظ کارکردی، بتواند بستر مناسب و تسهیل‌کننده‌ای برای پیاده‌شدن سیاست‌ها باشد که این محیط نهادی تاکنون به‌وجود نیامده است. یکی از علل عمده عدم تحول نهادی متناسب با تغییر نگرش‌ها پس از انقلاب، سابقه تاریخی منفی نسبت به هنر جدید در جامعه و به‌تبع آن سابقه عملی کم در صنایع فرهنگی جدید ارزشی می‌باشد. این سابقه منفی باعث گردیده خانواده‌های متدین کمتر به ورود فرزندان خود به عرصه هنرهای جدیدی چون سینما، تئاتر، موسیقی رغبت داشته باشند: آدم‌های متدین خیلی سابقه ابتدایی‌شان رفتن به سمت هنر نیست. این امر به‌دلیل

انقطاعی است که در یک دوره طولانی تاریخی بین متدینین و مقوله فرهنگ و هنر امروزی ایجاد شده بود. شکستن این مقاومت هم البته زمان و اراده تغییر می‌خواهد (م ۱۲: ۲).

به‌دلیل آنچه بیان شد، محیط نهادی فرهنگ و هنر نیز تغییر چندانی متناسب با گفتمان انقلاب اسلامی ننمود:

وقتی ما گفتیم: «می‌خواهیم برنامه چهارم را اجرا کنیم» در سازمان هیچ‌جا نبود که کارها را پیگیری برنامه‌ای نماید. این قضیه در دیگر دستگاه‌های فرهنگی هم دیده می‌شود، به‌جز بعضی موارد که بعد از انقلاب درست شدند. الان نمی‌توانید انتظار زیادی از سازمان‌های به‌جا مانده از پیش از انقلاب داشته باشید، زیرا ریشه در قبل انقلاب دارند و نیروهای کارشناسی آنها این‌قدر پیوستگی دارند که علی‌رغم تغییر مدیران، به‌جای اینکه انعطاف‌پذیرتر گردند، متصلب‌تر شده‌اند (م ۱۸-۱۷). بنابراین یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور، تحول نهادی در حوزه فرهنگ می‌باشد و بدون این تحول نهادی، نمی‌توان به دستیابی به چشم‌انداز فرهنگی کشور امید بست.

۴. عامل رفتاری جامعه

عامل رفتاری جامعه همانند سایر عوامل و حتی در سطحی بالاتر و مؤثرتر بر نظام اجرا تأثیر گذارده و باعث حرکت آن در مسیر چشم‌انداز فرهنگی و یا انحراف از آن جهت می‌شود. هنگامی که محصولات فرهنگی خروجی نظام فرهنگی مبتنی بر بن‌مایه‌های تمدنی ایران اسلامی تولید شوند، این محصولات در بازار رقابتی محصولات فرهنگی وارد شده، سهم بیشتری را از بازارهای جهانی، نسبت به وضعیت کنونی می‌توانند به خود اختصاص دهند. بدین ترتیب استفاده از محصولات فرهنگی خروجی نظام اجرا، اثرات واقعی و بلندمدتی بر جامعه گذاشته و بخشی از این اثرات توسط جامعه ادراک می‌شود و بدین ترتیب ذائقه مصرف محصولات فرهنگی رفته‌رفته تغییر کرده و در بلندمدت به‌تغییر سبک زندگی فرهنگی جامعه منجر می‌شود.

تغییر ذائقه مصرف محصولات فرهنگی و به‌تبع آن تغییر سبک زندگی فرهنگی، در یک چرخه برگشتی خود را در شکل مطالبه مردم از نظام اجرا برای تولید محصولات آینده نشان می‌دهد. در واقع مردم به‌عنوان ایجادکننده و قوام‌دهنده نظام فرهنگی کشور

با دغدغه پیاده‌شدن سیاست‌های فرهنگی و دستیابی کشور به چشم‌انداز فرهنگی به بازخوردهای مطالبه‌آمیز به نظام فرهنگی و سایر نظام‌های تأثیرگذار بر فرهنگ (نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) پرداخته و باعث عدم انحراف آنها از چشم‌انداز فرهنگی و گفت‌وگو ایجاد شده می‌شوند. در یک بیان محسوس‌تر، به‌طور مثال مردم با دادن پاسخ مثبت به محصولات فرهنگی فاخر و هم‌سو با سیاست‌های فرهنگی و پاسخ منفی و عدم استقبال از محصولات فرهنگی سخیف و مغایر با چشم‌انداز فرهنگی، باعث تقویت و گسترش محصولات فاخر و از گردونه خارج شدن محصولات سخیف می‌شوند. در اینجا محصولات فرهنگی خروجی نظام اجرا باید هم‌سوی با گفت‌وگو ایجاد شده حرکت نمایند تا آن را تقویت و نهادینه نمایند و مطالبه عمومی برای حرکت در چارچوب گفت‌وگو را بالا ببرند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله با بهره‌گیری از تجربیات مجریان و صاحب‌نظران حوزه فرهنگ، تلاش شد عوامل تسهیل‌کننده اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور در چهار دسته «عوامل زمینه‌ای»، «عوامل ساختاری»، «عوامل کارکردی» و نهایتاً «عامل رفتاری جامعه» تشریح شود. از حیث عوامل زمینه‌ای، برای اجرایی شدن سیاست‌های فرهنگی لازم است بسترها و زمینه‌های پیشینی‌ای وجود داشته باشند تا سیاست‌ها بتوانند در مرحله عمل با موفقیت به اجرا درآیند. اولین عامل زمینه‌ای لازم برای اجرای موفق سیاست‌ها آن است که مقوله فرهنگ در نزد دولت‌مردان کشور ما از موضوعی «در اولویت چندم» و «بی‌نیاز از توجه خاص» خارج شده و محلی از اعراب بیابد. در واقع با وجود آنکه انقلاب اسلامی اساساً یک انقلاب فرهنگی بوده، در دولت‌های سه‌گانه مجری برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، همواره اولویت با اقتصاد بوده و فرهنگ هیچ‌گاه در دستور کار جدی دولت‌مردان قرار نگرفته است. لذا زمینه اول برای اجرای موفق سیاست‌ها محوریت یافتن و در اولویت قرار گرفتن فرهنگ در نزد دولت‌مردان می‌باشد. زمینه دوم اجرایی شدن سیاست‌ها آن است که صاحب‌نظران کشور به نظریه‌ای منسجم و بومی در باب فرهنگ که تکلیف ما را با مقوله‌های مختلف فرهنگی مانند میراث فرهنگی، موسیقی، سینما، هنرهای تجسمی و... مشخص نموده و فرهنگ را از بلا تکلیفی موجود در آورد، دست یابند. البته این نظریه باید به اجماع حداکثری از صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و مجریان برسد و تنها مورد

قبول عده محدودی نباشد، تا بتواند به‌عنوان مبنای عمل سیاست‌های فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد. زمینه سوم اجرای سیاست‌های فرهنگی، تربیت نیروی انسانی است، چرا که این انسان‌ها هستند که باید سیاست‌ها را اجرا نمایند و در باب سیاست‌های فرهنگی این مسئله جدی‌تر است، چرا که اساساً فرهنگ یک مقوله نرم و انسانی تلقی می‌شود. در واقع یکی از دلایل عمده عدم اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی در طی دو دهه گذشته کمبود نیروی انسانی متخصص و دارای بینش فرهنگی بوده است که این امر خود از بی‌اهمیت بودن فرهنگ در نزد مسئولین کشور ناشی می‌شود، چرا که بی‌اهمیتی فرهنگ در کشور ما باعث شده استعدادهای برتر و مدیران خبره کمتر به حوزه فرهنگ وارد شده و جذب حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره شوند و معدود مدیران قوی روی آورده به این حوزه نیز، فعالیت در این عرصه را در کنار چند پیشه دیگر دنبال کرده و تمام انرژی و وقت خود را صرف این عرصه ننمایند. عامل زمینه‌ای چهارم برای اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی، تدوین علمی - تعاملی سیاست‌هاست. باید گفت سیاست‌های فرهنگی در صورتی در مرحله اجرا می‌توانند قرین توفیق شوند که اولاً به‌صورت علمی و مبتنی بر مسئله‌شناسی، نیازسنجی، محیط‌سنجی و مق‌دورسنجی لازم تدوین شده باشند و ثانیاً شکل‌گیری آنها از رهگذر تعامل و تضارب آراء لایه‌های مختلف سیاست‌گذاری و اجرا صورت پذیرفته باشد. نهایتاً نیز به‌عنوان عامل زمینه‌ای پنجم، لازم است سیاست‌های فرهنگی به‌گفتمان غالب در جامعه (و در یک لایه خاص‌تر، در بین رده‌های مختلف اجرا، تا عملیاتی‌ترین آنها) تبدیل شود تا این سیاست‌ها به مطالبه عمومی جامعه از نظام سیاست‌گذاری فرهنگی تبدیل شده و دستگاه‌های فرهنگی نیز باورمندانه آنها را در دستور کار واقعی خود قرار داده و به اجرای آن بپردازند.

دسته دوم عوامل تسهیل‌کننده اجرا، عوامل ساختاری‌اند که به سیستم و ساختار سازمانی فرهنگ کشور بازمی‌گردند. اولین عامل ساختاری تأثیرگذار بر اجرای سیاست‌های فرهنگی، انسجام نظام سیاست‌گذاری کلان می‌باشد. بر این اساس تا زمانی که هم‌سویی لازم بر رده مدیریت راهبردی کشور حاکم نشده و یک صدا از این رده به جامعه نرسد و بین دیدگاه‌های نهادها و تصمیم‌گیرندگان کلان اصلی، هم‌صدایی و هم‌جهتی به‌وجود نیاید، نابسامانی و اجرای ناکامل سیاست‌ها ناگزیر خواهد بود.

در یک لایه پایین‌تر از نظام سیاست‌گذاری کلان، لازم است نظام فرهنگی کشور نیز از انسجام لازم برخوردار بوده و جایگاه هر مرجع در آن مشخص و مورد پذیرش و

تبعیت سایر مراجع واقع شود و در این رده نیز هماهنگی و هم‌جهتی لازم به‌وجود آید. عامل ساختاری سوم خارج کردن فرهنگ از وضعیت سیاست‌زده کنونی است که در آن تصمیمات بر محور ملاحظات سیاسی و نه سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده و در عمل، سیاست‌های فرهنگی در پس ملاحظات سیاسی کوتاه‌مدت به‌فراموشی سپرده می‌شوند. به‌عنوان عامل چهارم ساختاری نیز لازم است ساختار سیاسی - مدیریتی بخش فرهنگ، به‌ساختاری بافق بلندمدت و باثبات تبدیل شود و تغییرات مدیریتی در این عرصه ماهیتاً عمیق و مستلزم نگاه بلندمدت، به حداقل برسد.

عامل پنجم ساختاری، بازآفرینی اداری نظام اجرای فرهنگی است. در واقع ساختار اداری فرهنگ کشور در حال حاضر به‌دلیل مشکلات عدیده موجود در آن، نیازمند یک بازآفرینی اساسی می‌باشد تا بتواند به محمل مناسب و کارآمدی برای اجرای سیاست‌ها تبدیل شود. نهایتاً نیز به‌عنوان عامل ساختاری ششم باید به لزوم ارزیابی و رصد فرهنگی جامع اشاره نمود. در این زمینه لازم است ساختار نظام سیاست‌گذاری فرهنگی به‌طور مستمر از بازخوردهای اجرای سیاست‌ها استفاده نموده و به اصلاح خود پردازد. این بازخوری لازم است هم در درون نظام سیاست‌گذاری فرهنگی صورت گرفته و هم به آثار و پیامدهای اجرای سیاست‌ها در جامعه پردازد و از رهگذر بازخوری از این آثار و پیامدها، به برطرف نمودن کاستی‌ها اقدام نماید.

دسته سوم عوامل تأثیرگذار بر اجرا، عوامل کارکردی‌اند که به کارکردهای نظام فرهنگی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی مربوط می‌شوند. در این زمینه، در وهله اول لازم است نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نه‌تنها کارکردهای یکدیگر را خنثی ننموده و اثر یکدیگر را در جامعه از بین نبرند، بلکه بین آنها هم‌افزایی به‌وجود آمده و فرهنگ و اقتصاد و سیاست و اجتماع در خدمت یکدیگر واقع شوند تا با تقویت یکدیگر، منجر به تعالی مادی و معنوی جامعه شوند. عامل دوم کارکردی، توازن و هم‌افزایی کارکردی در بین نهادهای مختلف فرهنگی می‌باشد. مشکلی که در سطح کلان در بین نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وجود داشت، در یک سطح پایین‌تر در نظام فرهنگی نیز وجود داشته و دستگاه‌های مختلف فرهنگی نه‌تنها با یکدیگر به‌صورت هم‌افزا عمل نمی‌نمایند، بلکه فعالیت‌های آنها یا همپوشان و تکراری بوده (و بدین ترتیب منجر به اتلاف منابع می‌شود) و یا خنثی‌کننده یکدیگرند و در این میان کارکردهای بسیاری مغفول و بلا‌تصدی باقی مانده است. لذا برای اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی

لازم است نهادهای فرهنگی به صورت هم‌افزا و متوازن عمل کرده و با همکاری یکدیگر تمامی کارکردهای مورد نیاز فرهنگی جامعه را پوشش دهند. نهایتاً نیز برای اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور لازم است محیط نهادی فرهنگ و هنر در کشور ما یک تحول بنیادین را تجربه نماید و بدین ترتیب بستر تسهیل‌کننده کارکردی لازم برای پیاده شدن سیاست‌ها به وجود آید.

عوامل فوق منجر به این می‌شود که شرایط لازم برای اجرای علمی و تعاملی سیاست‌ها توسط شبکه مجریان فراهم شده و بدین ترتیب محصولات فرهنگی مبتنی بر بن‌مایه‌های تمدنی ایران به‌عنوان خروجی نهایی نظام فرهنگی به جامعه عرضه گردد و در طرف تقاضا، عامل رفتاری جامعه خود به‌عنوان یک پیشران برای نظام سیاست‌گذاری فرهنگی عمل نماید. در اینجا، جامعه به‌عنوان «بدنه اجتماعی سیاست فرهنگی»، همچون محرکی قوی باعث اجرایی‌شدن سیاست‌هایی می‌شود که در فرایند گفتمان‌سازی برای او نهادینه شده است، چرا که مصرف محصولات فرهنگی باعث نهادینه‌شدن چشم‌انداز و سیاست‌های فرهنگی گفتمانی شده، در جامعه می‌شود و همین جامعه در یک فرایند بازگشتی، با مطالبه خود از نظام اجرای فرهنگی باعث استمرار و گسترش جریان مثبت سیاست فرهنگی می‌گردد.

منابع

۱. اصلانی، مینو. (۱۳۹۲). وضعیت حجاب و عفاف کشور نگران‌کننده است. برداشت در تاریخ ۹۳/۹/۳۰ از: <http://portal.anhar.ir/node/10809/?ref=sbttl#gsc.tab=0>
۲. دانایی‌فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی و عادل آذر. (۱۳۹۱). روش‌شناسی پژوهش کمی - رویکردی جامع. تهران: صفار
۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۷۱). اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. صالحی امیری، سیدرضا و امیر عظیمی دولت‌آبادی. (۱۳۸۸). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۵. صدوقی، مجید. (۱۳۸۷). بازبینی و متناسب‌سازی معیارهای ارزیابی پژوهش کمی برای مطالعات کیفی. حوزه و دانشگاه. ۵۵. ۳۲-۹.
۶. فقیهی، ابوالحسن و محسن عزیززاده. (۱۳۸۴). روایی در تحقیق کیفی. فرهنگ مدیریت. ۹. ۲۰-۵.
۷. قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: سمت
۸. محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲. تهران: جامعه‌شناسان
۹. مخبردزفولی، محمدرضا. (۱۳۹۳). رشد آمار طلاق و کاهش ازدواج خانواده‌ها را تهدید می‌کند. برداشت در تاریخ ۹۳/۹/۳۰ از: <http://www.psyop.ir/?p=141561>
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). هشدار آیت‌الله مصباح یزدی نسبت به وضعیت فرهنگی کشور. برداشت در تاریخ ۹۳/۹/۳۰ از: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930623001604>
۱۱. وزیر، جواد. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر تحقق اهداف در صنایع دفاعی از منظر یادگیری و رشد. پایان‌نامه چاپ‌نشده کارشناسی ارشد. دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

12. Braun, V. & C. Victoria. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*. Vol 3. 77-101.
13. Dye, T. R. (2013). *Understanding Public Policy*. 14th Edition. New Jersey: Pearson Prentice Hall.
14. Freeman, M.; K. deMarrais; J. Preissle; K. Roulston & E. A. St. Pierre. (2009). Standards of Evidence in Qualitative Research: An Incitement to Discourse. *Educational Researcher*. Vol. 36. No. 1. pp. 25-32.
15. Giacchino, S. & K. Andrew. (2003). Successful Policy Implementation: The Route to Building Self-confident Government. *International Review of Administrative Sciences*. 69. 139-160.
16. Given, L. M. (Ed.). (2008). *The Sage Encyclopedia of Qualitative Research Methods*. Vols. 1&2. California: Sage.
17. Hill, M. & P. Hupe. (2009). *Implementing Public Policy*. (2nd Ed.). London: Sage.
18. King, N. & C. Horrocks. (2010). *Interviews in Qualitative Research*. London: Sage.

19. Maxwell, J. A. (1992). *Understanding and Validity in Qualitative Research*. Harvard Educational Review; Fall 1992; 62. 3; Research Library Core. 279-300.
20. McGuigan, J. (2004). *Rethinking Cultural Policy*. UK: McGraw-Hill Education.
21. Neuman, W. L. (2000). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. 4th Edition. California: Allyn and Bacon.
22. Pülzl, H. & O. Treib. (2007). Implementing Public Policy. In: Frank, Fischer, and Gerald, J. Miller, and Mara, S. Sidney. *Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods*. New York: Taylor and Francis.
23. Rein, M. & F. F. Rabinovitz. (1977). *Implementation: A Theoretical Perspective*. USA: Joint Center for Urban Studies of the Massachusetts Institute of Technology and Harvard University.
24. Sabatier, P. A. & D. Mazmanian. (1979). *The Implementation of Public Policy: a Framework of analysis*. Institute of Governmental Affairs.
25. Sapru, R. K. (2012). *Public Policy: Formulation, Implementation and Evaluation*. New Delhi: Sterling Publishers Pvt. Ltd.
26. Saunders, M; P. Lewis. & A. Thornhill. (2009). *Research Methods for Business Students*. 5th Ed. Italy: Pearson Education Limited.
27. Sikhumbuzo, G. M. (2009). *Principals' Interpretation of Their Role in Implementing the National Curriculum Statement*. A Study of Three KZN Vryheid Principals. Master of Education Dissertation, Nelson Mandela Metropolitan University.
28. Sinkovics, R. R.; E. Penz & P. N. Ghauri. (2008). Enhancing the Trustworthiness of Qualitative Research In International Business. *MIR*. Vol. 48. 6. 689-714.
29. Snow, R. E.; J. D. Hutcheson. & J. E. Prather. (1981). Using Reputational Sampling to Identify Residential Clusters of Minorities Dispersed in a Large Urban Region: Hispanics in Atlanta, Georgia. *Proc. of the Section on Survey Research Methods*. American Statistician Association. 101-106.
30. Teddlie, C. & F. Yu. (2007). Mixed Methods Sampling: A Typology With Examples. *Journal of Mixed Methods Research*. Vol. 1. 1. 77-100.
31. Twining, J. (2000). *A Naturalistic Journey into the Collaboratory: In Search of Understanding for Prospective Participants*. Doctoral Dissertation, Denton, Texas.
32. Van Meter, D. & C. Van Horn. (1975). The Policy Implementation Process: A Conceptual Framework. *Administration and Society*. Vol. 6. 4. 445-488.